

فیلسوف وطن؛ آموزگار پروازروح

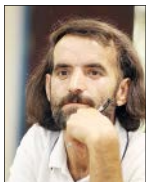
دکتر منصورى لاریجانی کتابی درباره استاد دینانی به نام «فیلسوف وطن» نگاشته که به زودی منتشر می‌شود؛ علاوه‌بر تبیین ویژگی‌های تدریسی و علمی، استاد به ویژگی مهم ایشان پرداخته که نام کتاب هم بر آن مناسبت. ما وطن مولدی (محل تولد) و ملی (ایران؛ همه جان و تن من) و وطن مآلوف داریم که این آخری مکانی نیست، زیرا مکان جای جسم است. وطن مآلوف همان کوی معشوق است؛ انا... و انا الیه راجعون. این آیه، معانی بسیاری دارد، یعنی از خدا آدمیم و به خدا برمی‌گردیم پس هر دو طرف، خداست هو

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جام جم» با استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی:

فرهنگ ایران هیچ‌گاه از میان نرفت

ایران فرهنگی و ویژگی های تمدن سازش همچنان سبز و بالنده و پویاست درباره چارایی این مهم با استاد دینانی گفت‌وگویی تلفنی انجام دادیم ، زیرا شرایط کرونایی همچنان ناگزیر از احتیاط مان ساخته . دکتر دینانی، فلسفه را پاسخگوی مهم‌ترین و عمده‌ترین پرسش‌های انسان درباره معنی هستی و حیات می‌داند. از نظری، تفاوت فیلسوف با مردم عادی در این است که از خارج از روزمرگی به زندگی می‌نگرد و درباره آن می‌پرسد. یادآورد این نکته، لطف خودش را دارد که استاد هم‌اکنون یکی از چهره های تأثیرگذار فلسفه در جهان اسلام است. همچنین آثارشان به زبان های دیگر ترجمه‌شده و در سراسر جهان از ایشان به عنوان پروفیسور، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جریان ساز در دنیا یاد می‌کنند. در این فرازا با این چهره ماندگار فلسفه، به قلمرو باستانی و کهن ایران فرهنگی که همواره خاستگاه تمدن و خیزشگاه فرهنگ بوده است، سری زده‌ایم و چون و چند تمدن‌سازی و تمدن‌پروری این گستره تاریخی را بررسی کرده‌ایم.



علی‌اکبر مفاهزی روزنامه نگار

فیلسوفان جریان ساز در دنیا یاد می‌کنند. در این فرازا با این چهره ماندگار فلسفه، به قلمرو باستانی و کهن ایران فرهنگی که همواره خاستگاه تمدن و خیزشگاه فرهنگ بوده است، سری زده‌ایم و چون و چند تمدن‌سازی و تمدن‌پروری این گستره تاریخی را بررسی کرده‌ایم.

خیلی توجه داشته است. خود غریب‌ها هم خوشبختانه در این باره چیزهایی نوشته‌اند.

[۱] با برنامه‌های درازمدت و... ایران فرهنگی را باره‌یاره و تفکیک کردند و اقوامش را از هم جدا کردند. به خصوص با ضعیف کردن زبان فارسی کشورهای آسیای میانه یا برانداختن این زبان هویت‌ساز در شبه قاره.

بله زبان فارسی که زبان اول جهان تمدن قدیم بوده است، مثلاً قبل از این که انگلیسی‌ها در هند نفوذ کنند بسیاری از هندی‌ها زبان پارسی می‌دانستند. کم نبودند شعرای هندی پارسی‌سرا که شعرهای فارسی‌شان کم داشتند. زبان فارسی در کل هندوستان رایج بوده ولی انگلیسی‌ها که آمدند با تمهیدات فراوانی زبان فارسی را کنار زدند و به جایش زبان انگلیسی را گذاشتند.

[۲] در نتیجه شبه قاره را از سپهر فارسی و ایران فرهنگی حذف کردند و به‌ویژه با یساری اسیادی نفوذی و دست‌پرورده‌های هندی‌الصل اسامیر به گونه‌ای

برنامه‌های «دگرگونی فرهنگی و زبانی و هویتی»شان را در هند پیش برد که آب از آب تکان نخورد.

این که در آن دوران به خاطر تنبلی با کم‌کاری و... بوده، اکنون مشکل است به این‌موضوع پرداختن و درباره‌اش سخن گفتن. مثلاً درباره فرهنگ ایران باستان و از میان رفتن آثار بزرگ حکمی و فرهنگی و دانشی تا اندازه‌ای موبدان مقصر بودند، همچنین خود ما هم مقصر بودیم . فرهنگ ایران مهم‌ترین فرهنگ در روزگار خودش بوده روزگاری که آمریکایی وجود نداشت و اروپا غرق در توحش

الاول و الاخر. حقیقت وجود که همان خداوند است، وطن مآلوف ماست. نخستین کسی که به عنوان فیلسوف از وطن مآلوف (با وجود سخنان بزرگان) به طور روشن و کامل سخن گفت، حکیم ملاصدراست. یعنی خاستگاه فلسفه، وطن مآلوف است. «فیلسوف وطن» کسی است که مرغ جانش را به پرواز درمی‌آورد. فیلسوف کسی است که به انسان‌ها پرواز می‌آموزد. قرآن هم ما را به پرواز دعوت کرده، آیه‌ای که خیلی پروازی است... انک کادح الی ربه کد حافلاقیه است؛ کدح یعنی ای انسان! سخت‌ترین موانع را می‌توانی درنوردی تا فاعلاقیه

تا ملاقات خدا و کسانی خدا را ملاقات می‌کنند که به بیکرانگی وجود خودشان برسند. چون خدا بیکرانه است.

فلاسفه غرب مثل هایدگر درباره وجود سخن گفته‌اند و نفهمیدند وجود چیست اما واقعا وجودشناسی ملاصدرا بی‌نظیر است. من هنوز ندیده‌ام کسی به زیبایی ملاصدرا درباره وجود و اصالت وجود سخن بگوید. اگرچه ابن سینا هم در این باره ید طولایی دارد اما کسی که به طور گسترده به وجود پرداخته و آن را خدا دانسته، ملاصدراست.



مجتهد آزاد جام جم

[۳] اهمیت فرهنگی ایران فرامرزی را مانند روحیه صلح‌طلبی، پرهیز از خشونت، پذیرش و... که روح نهاد‌های فرهنگ ایرانی‌اسلامی است برای جهان امروز در راستای تمدن نوین ایرانی‌اسلامی که بخواهیم به فرامیاش شماییان کنیم و بشناسانیم؟ خیلی خوب است و مهم است که بتوان آنها را احیا کرده و به درستی و منطقی نشان بده دنیا می‌پذیرد. دنیا که احق نیست. البته عرض کردم «اگر!». و این «اگر» مهم است! اگر عده‌ای بیایند و مفاخر فرهنگی ما را احیا کنند، بله ایران می‌تواند پیشرو تمدن باشد. همین آثار سهروردی را اگر کسی بتواند خوب بخواند و خوب بفهمد و خوب بیان کند برای دریافت و پذیرش دنیا کلی موثر است اما کی هست! کی سهروردی می‌خواند! خود سهروردی را درس سی سالگی در حلب کشتند! حکمت خسروانی که او بیان کرد حکمت ایران است توحیدی بوده توحیدی انور! که نور حسی نیست، نور معنوی است.

[۴] برای این که بتوانیم با تمدن معاصر تعامل کنیم و تأثیرگذار باشیم، و فقط مصرف‌کننده نباشیم به نظراتان از همه مهمتر چه کاری‌ست؟

دیگر هیچ! معجزه که نیست تا من یک راه فوری پیشنهاد کنم. کلیاتش همین است که ما بتوانیم فرهنگ خودمان را و آن عوامل منطقی و معقولش را که باقی مانده، مانند آثار سهروردی بر ملا کنیم؛ راه دیگری ندارد. سحر و جادو نیست تا فوری کارآموزش را نشان بدهد. آن داشته‌هایی را که باور دارم و می‌تواند در این باره موثر باشد، نوشتم اما آثار خود مرا هم که نمی‌خواند. بیشتر از این چیزی نمی‌دانم. در کتاب‌هایم تا آنجا که توانستم آثار ایران فرهنگی و نیز فرهنگ ایران را در آنها با رفته‌ام همین کتاب‌ها و آثار مرا در این راستا بخوانند و نشر بدهند؛ همین! شما فکر نکنید که من با معجزه دارم کاری میکنم با معجزه نمی‌شود کاری کرد اما با ترویج می‌شود؛ ترویج حرف‌های منطقی معقول. مثلاً هاتری کرکن کسی بود که به ایران باستان توجه کرده بود و مجذوب شد. تا آخر عمرش در ایران ماند و کار کرد. خود آثار کرین هم در این باره خوب است.

نگاه

شُکوه استاد دینانی

حکمت متعالی و اهل بیت

قرآن ظاهری دارد و باطنی، صورت ظاهری قرآن از سینه پیامبر در قالب واژگان جوشیده، امام صادق می‌فرماید: خدا در قرآن تجلی کرده. قرآن یک آیینه است. نزول قرآن نیز ظاهرو باطن دارد. باطن قرآن در حکمت الهی نزول کرده. به تعبیر شیخ اشراق «خمیره ازل» است، (این حکمت، مانی کسی نیست. هیچ فیلسوفی نمی‌تواند بگوید حکمت مال من است با رقی‌های ازان به هر فیلسوفی رسیده). حقیقت همه اشیا به تعبیر ایشان حکمت است. هرمس یا ادريس نبی به نور این حکمت رسیده و آن را تابانده در سینه هم حکما و همچنان دارد می‌تاباند. کیخسرو هم به نور حکمت رسیده؛ حکمت ایرانی! پس باطن قرآن در حکمت نزول کرده، چه این حکمت ایرانی یا یونانی یا هر جنس دیگری باشد.

حکمت، محصول هیچ مکتب فلسفی و عرفانی نیست، به همین دلیل متعالیه است یعنی دست نیافتنی و انسان به اندازه ظرفیتش از نورش روشن می‌شود. به همین علت ایرانیان، عاشق قرآن شدند و اما ظهور این حکمت در اهل بیت است، به گفته مولاعلی؛ درهای حکمت به روی ما باز است. و همین بود که ایرانیان، عاشق اهل بیت شدند و تفکر شیعه در ایران قوت گرفت.

تمدن‌سازی ایرانیان

دقت کنید! برخی ناسیونالیست‌های عرب می‌گویند: عمر بود که چنین و چنان کرد. نه! چنین نیست! ایرانی‌ها عاشق حکمت قرآن بودند و به‌خصوص علمای ایرانی منتظر اسلام بودند با آغوش باز پذیرایش شدند؛ حکومت اسلامی را سامان دادند با مدیریت و برنامه‌ریزی و تشکیلات‌سازی و... همه اینها کار ایرانیان بود. بهترین علمایی که اسلام را در جهان نشر دادند حتی در حوزه فقه، ایرانی بودند؛ احمد بن حنبل و محمد حنفیه هر دو از بزرگ‌ترین ائمه اهل سنت ایرانی‌اند. صحیح بخاری که بزرگ‌ترین منبع حدیثی اهل تسنن است که نویسنده‌اش احمد بن اسماعیل بخاری ایرانی است، همچنین دیگر مولفان صحاح سته، بسیاری علما ایرانی‌اند؛ فارابی و بوعلی و خواجه نصیر طوسی و ائمه تمدن‌سازی که اروپا از آنان نام می‌برد همه ایرانی هستند. ایرانیانی که حکیم بودند این فرهنگ را درست و پیام اسلام را جهانی کردند.

جایگاه استاد دینانی

در روزگار ما وارث تلاش تمامی بزرگان فلسفه و حکمت اسلامی، واقعا استاد دینانی است. کتاب‌شان درباره خواجه نصیر (فیلسوف گفت‌وگو) چندر زیاست! کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق، سیر تمدن‌سازی و فرهنگ آفرینی و نشر حکمت الهی را کاملاً

توضیح داده به گونه‌ای که آدم عادی هم آن را درمی‌یابد. همچنین که از اندیشه‌های شیخ اشراق و ابن سینا و ملاصدرا با لایش نوبنی به دست داده، نوآوری‌های خیلی زیادی هم دارد.

از جمله بزرگ‌ترین نوآوری‌های اندیشه استاد دینانی این است که نقد وقادانه را وارد تفکر فلسفی کرده و پیوند عقلانی میان فلسفه و عرفان (به عنوان لُبّ و جان دین) ایجاد کرده است. نزاع بی‌حاصلی از قرن سوم تا نهم از سوی صوفی‌ها... ایجاد شد که احساس مهم است نه عقل و فلسفه. البته پایه‌گذار اتحاد عرفان و فلسفه خود ابن سیناست و ملاصدرا، ولی استاد دینانی امروزه این را تبیین و روشن کرده و در شرح نمط نهم اشارات بوعلی هم ثابت کرده است که در عرفان و فلسفه اسلامی، هیچ نزاعی بین عارف و فیلسوف نیست. عارف اسلامی همان حکیم اسلامی است و برعکس.

بیکرانی انسان

بزرگ‌ترین افق در حوزه معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی) و در حوزه وجودشناسی، عقل است. استاد دینانی معتقد است ما چیزی فوق عقل نداریم و این عقل در وجود انسان تعبیه شده است. تعریف انسان (حیوان ناطق) مفهومی است. ولی در تعریف وجودی، انسان بیکرانه است. جدی ندارد و نمی‌توان برای انسان انجایی در نظر بگیرید. استاد به این آیه استناد می‌کند: ... خلقکم من نفس واحد؛ آن خمیره ازل که شیخ اشراق گفته، همین نفس واحد است. جوهره وجودی انسان، غیرمادی است. پس در زمان و مکان جای نمی‌گیرد در لحاظ عقل و نفس بیکرانه است... یکی از بهترین دلیل‌های خداشناسی همین پرواز عقل ماست... فهرستی از هراتجه در عالم هست در وجود انسان وجود دارد... انسان می‌تواند ملکوت را هم درنوردد. ببین چه وسعتی خدا به انسان داده و ما خود را به چه مشغول کرده‌ایم.

استاد معرفت

برنامه معرفت را در شبکه ۴ از سال ۸۵ آغاز کردیم. ۱۷ سال است که ادامه دارد و در کنار بحث‌ها نگاهی نیز به فلسفه غرب می‌شود. ورود و خروج استاد دینانی به مباحث فلسفی غرب بسیار ماهرانه است، اندیشه کانت و دکارت و... از خوب می‌شناسد. از هگل که فوق العاده سخن می‌گوید و هایدگر را خوب نقد می‌کند. تسلط خوب استاد به فلسفه غرب باعث شده برنامه معرفت، مخاطبان بین‌المللی زیادی داشته باشد. از اروپا و آمریکا خیلی‌ها با برنامه تماس دارند، زیرا نگاه حکمت متعالیه از منظر آنژلوریک (وجودشناسی) است و کسی که از این افق می‌نگرد، همه جهان را در برابر حقیقت وجود که حق تبارک و تعالی است، هیچ می‌بیند و اعتباری؛ کسی که اندیشه را بر این پایه می‌نگارد، طبیعی است که جهانی می‌شود.

گفت‌وگو

interview

سه‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۷۸

راهبرد

همگرایی ایران فرهنگی

ایران فرهنگی رنگین‌کمانی است از اقوام و رسم‌ها، زبان و میراث معنوی مشترک و اشتراکات بسیار دیگر که در طول تاریخ بشری همواره در تمدن‌سازی پیشرو بوده. این داشته‌ها و ریشه‌ها برخلاف تمدن‌های روم، یونان، مصر و... هنوز هم سبزند و تنیده. از این رو خیزش دوباره و تأثیرگذار ایران فرهنگی دغدغه و خواست همه فرهیختگان ایران دوست است. راهبرد نوین جام‌جم در گفت‌وگو با بزرگان و صاحب‌نظران، بازشناخت داشته‌ها، ریشه‌ها و میراث مشترک معنوی مردم و کشورهای ایران فرهنگی است تا از رهگذر این کوشش، به پیشنهادها و راهکارهایی برای همگرایی بیشتر این قلمرو گسترده برسیم. همچنین راه‌های احیای داشته‌های مشترک فرهنگی و تمدنی‌مان اولویت مهمی است که با ایجاد زمینه‌های گفت‌وگو و تعامل میان اقوام و کشورهای ایران فرهنگی، به واقع می‌توان به تمدن نوین ایرانی‌اسلامی و ممکن‌شدنش نزدیک‌تر شد.

چرایی تفکیک سیاسی ایران فرهنگی و کوشش پرهزینه درازمدت استعمار برای ایجاد این تفرقه از دیگر پرسش‌های مهم است.

از سوی دیگر پرسش از چگونگی استمرار ایران فرهنگی و نبریدن از ریشه‌های میراث معنوی، فرهنگی و تمدنی‌مان که همچنان بالنده است، می‌تواند بسی راهگشا باشد.

زبان فارسی هویت ماست، برانداختن این زبان در شبه‌قاره هند، قفقاز و آسیای جنوب‌شرقی، زنگبار و یمن و... یا جداکردنش از متن‌های بی‌نظیر و درخشان ادبی با تغییر و گرسانی الفبا مثلاً در تاجیکستان و... پرسش پرتلاش‌برانگیز است.

محدود کردن گستره رواج زبان فارسی چقدر و تا چه پایه در ایجاد این فاصله بین اقوام ایران فرهنگی موثر بوده و چگونه می‌توان (فراتر از برگزاری چند کلاس دانشگاهی زبان و ادب فارسی برای دانشجویان دیگر کشورها) این زبان را رایج کرد و چنان گذشته‌های پرافتخارش از زبان‌های جهانی گرداند. امروزه همگرایی و پیوند ما با دیگر اقوام ایران فرهنگی چرا چنین نارسا و کند پیش می‌رود.

توجه به این مهم که قدرت گرفتن ایران فرهنگی چه دستاوردهایی خواهد داشت، همچنین توجه به این‌که استعمار و به‌ویژه صهیونیست‌های پدیده‌اوپنه‌ا با قدرت گرفتن ایران فرهنگی مقابله کرده‌اند و بسیاری مسائل دیگر در این گفت‌وگوها بررسی و پاسخ‌جویی خواهد شد.

نگاه

یکی از فیلسوفان جریان‌ساز

پروفیسور دینانی بجد بزرگ‌ترین فیلسوف معاصر ایرانی و یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جریان‌ساز در دنیاست که هم به لحاظ تعدد آثار و به لحاظ کثرت دانش از تأثیرگذارترین متفکران و نویسندگان جهان به شمار می‌آیند.

دکتر دینانی، آرا و نظریات فیلسوفانه‌اش ویژه خود ایشان است. با تسلطی بی‌چون و چند بر فلسفه شرق و غرب از افق یک فیلسوف اسلامی به جهان می‌نگرد. تأثیر ابن‌سینا، ملاصدرا و سهروردی در نگره فلسفی‌اش البته خلاقانه است و آفرینشگرانه همچنان که تأثیر تدریس علامه طباطبایی (ره) نیز بر خلاقیت فلسفی و نگره الهی ایشان خلّاقه و باق‌ترین بوده در این راستا استاد نظریات شخصی پرشماری به فلسفه افزوده است.

کتاب‌های خرد و خردورزی، سرشت و سرنوشت، گفتار حکیم، سعاع شمس و آینه‌های فیلسوف توسط استادان فلسفه درباره مقام علمی ایشان به‌عنوان یک فیلسوف نگاشته شده. دینانی میزان سنجش و درک هر چیزی، حتی درک انسان از خدا را عقل می‌داند.

او به فلسفه به مثابه موجود زنده و واحد و نه اجزای جدای از هم و به منزله یک جریان سیال و پویا و نه رده‌های مستقل و جدای از هم نگاه می‌کند. دورانی که پروفیسور هاتری کرین برای همکلامی با حضرت علامه طباطبایی به ایران می‌آمد؛ دکتر دینانی همراه علامه (ره) در این جلسات بحث خصوصی شرکت داشتند.

هدفی که استاد دینانی در اکثر آثار خود دارند به کار انداختن فکر و تعقل درباره مسأله‌ای در خواننده است نه لزوما رسیدن به نتیجه خاصی. به‌دلیل پیشنهاد استاد به خواندن کتاب‌ها‌شان در راستای افق معنایی این گفت‌وگو از کتاب‌هایی یاد می‌کنیم با این اشاره که: احیای حکمت خسروانی و اندیشه الهی ایران باستان از مهم‌ترین دغدغه‌های استاد بوده است.

کتاب‌هایی چون مجاری فکر فلسفی در جهان اسلام و دفتر عقل و آیت عشق، مهم‌ترین آثار این فیلسوف ژرف‌اندیش است که او (دینانی) را از تمامی اندیشمندان معاصر ممتاز می‌کند.

دیگرتکتاب‌ها: اسما و صفات حق، روش تدریس فلسفه، قرآن، عقل، ژرفای اندیشه، حکمت خسروانی، فراز و فرود فکر فلسفی، حیات فیلسوف، پرسش از هستی یا هستی‌پریش، کیمیای عشق، از محسوس تا معقول، معمای زمان و حدود جهان، ارج‌نامه سالک فکرت، هستی و مستی، راز راز، حافظ معنوی و آثار بسیار دیگر. برنامه معرفت، شبکه چهار سال هاست خوانش بس متفاوت استاد را از متون جوادن ادب پارسی بازتاب می‌دهد و به‌ویژه که نگاه‌شان به این آثار بی‌نظیر و یگانه بوده.